



سیر دگرگونی عنوان ردالعجز علی (الی) الصدر در کتاب‌های بلاغی

سیدعلی سینا رخشنده‌مند^۱، علیرضا فولادی^۲

^۱ دانشجوی پسادکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول)

اطلاعات مقاله:

چکیده:

از جمله آرایه‌ها و ترفندهای ادبی که از پیشینه و قدمت دیرینه‌ای برخوردار است و با دسته‌بندی‌ها، عناوین و نام‌گذاری‌های مختلفی در کتاب‌های بلاغی عربی و فارسی ارائه شده «ردالعجز علی (الی) الصدر» یا «رد الصدر الی (علی) العجز» است. به کارگیری «الی» به جای «علی» و جایگزینی «الصدر» به جای «العجز»، باعث شده است آنچه به زعم دسته‌ای از کتاب‌های بلاغی تحت عنوان «رد العجز علی الصدر» آمده است، به باور گروهی دیگر برعکس، یعنی ردالصدر الی العجز باشد. بلاغت‌پژوهان فارسی، منبع این اختلاف نظر را متوجه شمس قیس رازی مؤلف المعجم می‌دانند. بدین سبب، گروهی به پیروی و انقیاد و دسته‌ای دیگر به انتقاد و نقد نظر وی پرداخته‌اند. از همین روی این نوشتار که با روش توصیفی تحلیلی نگاشته شده بر آن است تا با بازبینی سیر تاریخی و تطور این صنعت ادبی و اهمیت آن در اهم کتاب‌های بلاغی عربی و فارسی به گونه‌ای ویژه به اختلاف نظر در مورد به کارگیری «علی» و «الی» بپردازد و این گونه مشخص خواهد شد که خاستگاه اولیه و منشأ این اختلاف نظرها برخلاف آنچه در کتاب‌های بلاغی فارسی بیان شده است، از بلاغت عربی و توسط سکاکی، نشئت گرفته است.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱

شاپا چاپی ۲۲۵۱-۷۹۷۹

شاپا الکترونیکی ۶۷۷۹-۲۶۷۶

کلیدواژه‌ها: ردالصدر علی (الی) العجز، ردالعجز علی (الی) الصدر، بلاغت، بدیع، تطور.

ارجاع به این مقاله: رخشنده‌مند، سیدعلی سینا؛ فولادی، علیرضا (۱۴۰۲)، سیر دگرگونی عنوان ردالعجز علی (الی) الصدر در کتاب‌های بلاغی، زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)، (۲۴۷) ۷۶، ۱۰۷-۱۲۹.

DOI: 10.22034/PERLIT.2023. 53528.3390



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه تبریز

۱. مقدمه

بازبینی و کاوش قدمت صناعات ادبی، آن گونه که بتوان چگونگی پیدایش، دگرگونی و تطور، نام گذاری دوباره و آنگاه میزان کاربرد آن در روزگاران پسین و بازشناخت تکرار و تصویر فراز و نشیب موجود در کلیت هر یک از ترفند و شگردهای ادبی را با ژرف بینی جامع بازشناخت، مسئله‌ای بایسته و ناگزیر است تا هم بلاغت‌دوستان را سودمند افتد و هم بلاغت‌پژوهان را از سردرگمی برهاند. از همین روی در این نوشتار به سیر دگرگونی یکی از صنایع لفظی بدیع که همواره مورد توجه و اختلاف نظر بدیع‌نویسان عربی و فارسی بوده است، خواهیم پرداخت تا بدین وسیله منشأ و سرچشمه اختلاف نظرها مشخص شود؛ چنان که می‌دانیم صنعت ادبی را که عده‌ای از کتاب‌های بلاغی «ردالعجز علی الصدر» نامیده‌اند، در نظر دسته‌ای دیگر «رد الصدر الی العجز» و بر عکس است. در این بین آن چه بیش و پیش از همه مورد توجه بعضی از بلاغیون قرار گرفته است، به کار بردن «الی» به جای «علی» و در مرحله بعد «ردالصدر» به جای «ردالعجز» و بر عکس آن؛ چنان که در این مورد آمده است: «اولاً: ردالعجز الی الصدر و ردالصدر الی العجز نوشته، یعنی کلمه الی به جای علی آورده است و دیگر...» (همای، ۱۳۸۹: ۵۷). بلاغت‌پژوهان منشأ این اختلاف نظر را متوجه شمس قیس رازی مؤلف المعجم می‌دانند. بدین سبب، عده‌ای به پیروی از او و دسته‌ای دیگر به نقد نظر وی پرداخته‌اند. از همین روی پژوهش حاضر با آگاهی از این مناقشات، برای آن که حقیقت مقصود در پرده نماند، به بازبینی و بازنگری این صنعت ادبی در کتاب‌های بلاغت عربی و فارسی پرداخته و مشخص نموده که منشأ اختلاف «الی» و «علی» نه تنها شمس قیس نبوده بلکه سرچشمه آن از بلاغت عربی است.

۲. پیشینه تحقیق

در مورد این صنعت ادبی، مطالبی در مجلات مختلف بیان شده است که به جنبه‌های دیگری جز موضوع مورد بحث ما پرداخته‌اند، از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مقاله «تحلیل و بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان علوم بلاغی در زمینه تصدیر» در مورد تطور این صنعت بحث کرده است و چنین می‌نویسد: «همه تعاریف موجود کتب بلاغی در این زمینه از ابن معتر تا تعاریف علمای معاصر، همگی -تکرار واژه صدر را در عجز یک بیت یا یک فقره نثر، ردالعجز علی الصدر خوانده‌اند. در حالی که وی [رادویانی] آن را ردالصدر علی الفخذ خوانده است که با دگرگون کردن این نام، به جای عجز، فخذ (= ران) را به کار برده است که در هیچ یک از کتب بلاغی عربی، این نامگذاری چنین نیست، علاوه بر این با جا به جا کردن واژه‌های صدر و عجز نام این آرایه را نیز به گونه‌ای متفاوت با علمای عربی به کار برده است. از این رو کتاب شمس قیس رازی دومین اثر بلاغی است که نام این آرایه را تغییر داده است نه اولین» (پارسا، ۱۳۹۱: ۱۹).

مقاله دیگری با عنوان «تصدیر و نقد آرای بدیعیان درباره آن» نویسندگان در این مقاله به دسته بندی‌هایی که ذیل تصدیر آمده است، پرداخته‌اند و نتیجه می‌گیرند که اگر علمای بدیع اندکی بیشتر در این باب تأمل و تدقیق می‌کردند و به تصدیر توسعه بیشتری می‌بخشیدند، انواع بیشتری از صورت‌های موجود از تکرار واژه می‌توانست در زیر چتر تصدیر تعریف شود (پورنامداریان، هادی، اشراقی، ۱۳۹۸: ۲۰-۱).

۳. بحث و بررسی

در کتاب‌های بلاغی فارسی بحث‌های مختلفی در مورد ردالعجز علی (الی) الصدر و نیز کلمه «علی» و «الی» آمده است؛ کتاب‌هایی را که در این زمینه اظهار نظر کرده‌اند، به چند دسته می‌شود تقسیم کرد:

الف: کتاب‌هایی که با نظر شمس قیس مخالف‌اند: مؤلف *بدایع الصنایع* چنین آورده است: «و وجه تسمیه این صنعت به رد العجز علی الصدر، نظر به معنی لغوی در جمیع انواع مذکوره این صنعت به اندک تأملی ظاهر می‌شود؛ اما نظر به معنی متعارف شعرا در بعضی ظاهر نمی‌شود، مگر آن که این را از قبیل تسمیۀ شیء به اسم اشهر انواع او دارند؛ و بعضی سوال کرده‌اند که معنی ردالعجز علی الصدر تقاضای آن می‌کند که لفظ اولاً در عجز باشد و او را باز گردانند به سوی صدر. حال آن که امر بر عکس است و جواب این سؤال آن است که شاعر یا منشی، اولاً ملاحظه قافیه یا آن چه به منزله اوست از نثر می‌کند؛ بعد از آن باقی بیت یا فقره را مناسب آن می‌آرد؛ پس نظر به این ملاحظه، لفظ اولاً در عجز باشد. و آن کس که این ملاحظه نکرده این صنعت را ردالصدر الی العجز نام نهاده، چنان که شمس قیس نقل کرده و هم او گفته که: چون آن چه در آخر بیتی آمده باشد، در اول دیگری باز آرند، آن را رد العجز الی الصدر گویند» (حسینی نیشابوری، ۱۳۴۵: ۱۱۶).

بنابر آنچه گذشت، اولین کسی که به نقد نظر شمس قیس رازی پرداخته است، نویسنده *بدایع الصنایع* است، در حالی که اکثر بدیع‌نویسان فارسی، کتاب *فنون بلاغت و صناعات ادبی* را نخستین کتابی می‌دانند که در این زمینه اظهار نظر کرده است.

در کتاب *فنون بلاغت و صناعات ادبی* در این مورد چنین آمده است: «توضیح لازم: آنچه دربارهٔ تعریف رد العجز علی الصدر و رد الصدر علی العجز گفته شد، مورد اتفاق همهٔ علمای بدیع فارسی و عربی است؛ تنها صاحب *المعجم* در این باره چیزی نوشته که هم از جهت لفظ و هم از جهت تعریف با گفته‌های دیگران مخالف است؛ اولاً: رد العجز الی الصدر و ردالصدر الی العجز نوشته؛ یعنی کلمهٔ الی به جای علی آورده است. و دیگر آن که تعریف این دو صنعت را درست برخلاف و عکس چیزی گفته است که مورد اتفاق همهٔ علما و مؤلفان بدیع عربی و فارسی است، به این قرار که رد الصدر الی العجز را در معنی رد العجز علی الصدر معروف آورده؛ و برعکس رد العجز الی الصدر را در معنی رد الصدر علی العجز معروف گفته است و معلوم نیست این اشتباه از خود اوست یا اصطلاحی مخصوص بوده که جز در کتاب *المعجم* هیچ کجا دیده نمی‌شود. امید است این توضیح برای همهٔ آن کسانی که در مورد این دو صنعت و اختلاف ضبط آن‌ها در کتاب *صناعات ادبی* تألیف نگارنده و *المعجم* شمس قیس، به کرات سؤال کرده‌اند، جوابی قانع‌کننده باشد و بیش از این، از خطای صاحب *المعجم* پیروی نکنند» (همایی، ۱۳۸۹: ۵۷).

نویسندهٔ *هنر سخن‌آرایی*، بحث مفصلی در این مورد آورده است که با توجه به اهمیت موضوع، عیناً نقل می‌شود: «بیشتر بدیعان هم آغاز و پایانی بیتی و عبارتی را «ردالعجز علی الصدر» و «تصدیر» نامیده‌اند و هم باغازی بیتی و مصرعی را ردالصدر علی العجز؛ اما کسانی چون شمس قیس در *المعجم فی معاییر اشعار العجم* و ... این نام‌گذاری را وارون کرده‌اند؛ یعنی هم آغاز و پایانی را ردالصدر علی العجز و هم باغازی را رد العجز علی الصدر خوانده‌اند. نام‌گذاری دوم به ظاهر درست‌تر و گویاتر می‌نماید؛ زیرا سخن چون با صدر آغاز می‌شود و با عجز پایان می‌پذیرد، اگر واژهٔ آغازی (= صدر) در پایان (= عجز) باز آورده شود، ردالصدر علی العجز (=) آغاز را به پایان بردن) خواهد بود و اگر واژهٔ پایانی (= عجز) در آغاز (= صدر) بیت بعد باز آورده شود رد العجز علی الصدر (=) پایان را به آغاز بردن) خواهد بود. با این همه نام‌گذاری نخستین درست‌تر و سنجیده‌تر است چه از دید سخنور بنگریم و چه از دید سخن‌سنج:

۱. از دید سخنور: می‌دانیم که واژهٔ پایانی بیت که با قافیه است یا ردیف، از دیگر واژه‌ها برانندگی و برجستگی بیشتری دارد؛ زیرا تنها واژه‌های ویژه‌ای هستند که می‌توانند در جایگاه قافیه و ردیف بنشینند تا آن جا که چه بسا سخنور پیشاپیش قافیه‌ها یعنی واژه‌های پایانی (= عجز) سخن خویش را برمی‌گزیند و پیش از آن که بیتی را بیاغازد، می‌داند واژهٔ پایانی آن چه خواهد بود. از این روی چون بخواهد مثلاً هم آغاز و پایانی را در سخن خویش پاس دارد، نخست واژهٔ پایانی را که می‌داند چیست به ذهن می‌آورد و سپس به آغاز (= صدر) بیتی که هنوز سروده نشده باز می‌گردد و آن چه را می‌داند در پایان خواهد آمد، در آغاز نیز می‌آورد؛ پس سیر ذهنی سخنور از عجز به صدر (= رد العجز علی الصدر) است.

۲. از دید سخن‌سنج: سخن‌سنج چون بیتی هم‌آغاز و پایان را می‌خواند و می‌سنجد، آن‌گاه به هم‌آغاز و پایانی آن بر می‌خورد که به پایان بیت برسد. این جاست که ذهن او با دیدن عجز بیت، صدر آن را که اندکی پیش خوانده و هنوز پیش چشم دارد، به یاد می‌آورد و بدان باز می‌گردد و این‌گونه پایان بیت را با آغاز آن به هم می‌پیوندد (= رد العجز علی الصدر) و چون دو بیت هم‌آغاز را می‌خواند، آنگاه که به صدر بیت دوم می‌رسد، عجز بیت نخست را که تازه پشت سر نهاده، به یاد می‌آورد و بدان باز می‌گردد و با بازگشت بدان، صدر بیت دوم را با عجز بیت نخست به هم می‌پیوندد. (= رد الصدر علی العجز) (راستگو، ۱۳۹۷: ۵۲-۵۴).

مؤلف فنون ادبی معتقد است: «توجه به معنی دو کلمه «علی» و «الی» نیز لازم است. «علی» معمولاً به قبل از خود نظر دارد و «الی» به بعد از خود؛ چنان‌که در معطوف علیه و مضاف‌الیه می‌بینیم؛ پس هر دو اصطلاح «ردالعجز علی الصدر» و «ردالصدر الی العجز» می‌توانند با یکدیگر هم‌معنی و هر دو درست باشند؛ اما چون کلمه «رد» به معنی برگرداندن است، شاید بتوان گفت که اصطلاح «ردالعجز علی الصدر» ترجیح دارد. با توجه به نکته‌های یاد شده «ردالعجز علی الصدر» عبارت از تکرار کلمه آغاز بیت در پایان آن است؛ یعنی تکرار کلمه صدر بیت (آغاز مصراع اول) در عجز بیت (پایان مصراع دوم) است» (احمدنژاد، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

در جای دیگر در این مورد چنین آمده است: «سخن بر سر حروف جر «علی» و «الی» نیست؛ زیرا این حروف تفاوت معنایی چندانی ایجاد نمی‌کنند؛ بلکه سخن بر سر منشأ این اختلاف و دلیل آن است» (پارسا، ۱۳۹۱: ۱۸).

در کتاب بدیع از بلاغت چنین آمده است: شمس قیس رازی در المعجم فی معاییر اشعار العجم بدون اینکه توضیح دهد - برخلاف دیگر بلاغیون «ردالعجز الی الصدر» و «ردالصدر الی العجز» را به جای یکدیگر به کار می‌برد (نک: شمس قیس رازی، ۱۳۷۳: ۳۰۱) «(مرتضایی، ۱۳۹۴: ۱۱۶). در ادامه، بخش یادداشت‌ها چنین آورده است: «متعدی کردن فعل «رد» در عربی به دو حرف جر «الی» و «علی» جایز و به یک معنی است. نک: المعجم الوسیط، ذیل ماده «رد» (همان، ۱۳۹۴: ۲۰۸).

مؤلف زیورسخن در بدیع فارسی چنین آورده است: «بعضی از بدیع‌نگاران این آرایه را «ردالصدر الی العجز» نامیده‌اند (شمیسا، ۱۳۸۱: ۵۹) ولی باید گفت در کتب معتبر بدیعی به همین صورت که نوشتیم، ضبط شده است و عقلاً هم صحیح است؛ زیرا ذهن باید به آخر بیت برسد و آخرین کلمه را دریابد و بعد آن را به صدر بیت نسبت دهد و از این رو آن را «ردالعجز علی الصدر» نام نهاده‌اند. بدیع (زیباشناسی سخن پارسی)، ۶۵» (صادقیان، ۱۳۸۷: ۷۱).

ب: کتاب‌هایی که با نظر شمس قیس موافق‌اند: به نظر نویسنده بدایع الافکار، ردالعجز علی الصدر «منحصر است در دو قسم: متصادر و معاد». (کاشفی، ۱۳۶۹: ۹۹) در ادامه وقتی که به معرفی «معاد» و ارائه شاهد مثال برای آن می‌پردازد، نظری مطابق نظر شمس قیس ارائه می‌دهد و چنین می‌نویسد: «و به حقیقت این نوع ردالعجز علی الصدر است و باقی ردالصدر علی العجز اما به اعتبار آن که بنای شعر بر قافیه است و همیشه نظر بر عجز بیت افتد و چون عجز ملاحظه کرده شود، بعد از آن لفظی که در صدر یا در حشو مصراع اول مذکور است به نظر درآید این نوع را ردالعجز علی الصدر توان گفت» (کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۰۱).

نویسنده نگاهی تازه به بدیع در مورد این صنعت آورده است: «ردالصدر الی العجز» (شمیسا، ۱۳۹۸: ۷۶). در پاورقی می‌نویسد: «مطابق است با اسم‌گذاری شمس قیس رازی در المعجم. در کتب دیگران از جمله استاد همایی به این مورد ردالعجز علی الصدر گفته‌اند. از آن‌جا که مراد یکسانی اول و آخر بیت است هر دو اصطلاح قابل توجیه است.» (همان، ۷۶). در ادامه قسمت ب) می‌نویسد: ردالعجز الی الصدر (همان، ۷۶)، بعد در پاورقی آورده است: «مطابق است با تسمیه المعجم. دیگران از جمله استاد همایی به آن ردالصدر علی العجز گفته‌اند که موجه نمی‌نماید.» (همان، ۷۶)

مؤلف زیباشناسی سخن پارسی چنین آورده است: «گاه این آرایه «رد الصدر علی العجز» خوانده شده است که در پارسی آن را می‌توان «سربنی» نامید؛ اما این نامگذاری پذیرفتنی تر و منطقی تر است؛ زیرا دانش‌های زیباشناسی سخن و از آن میان بدیع دانش‌های سخن سنجی است، نه دانش‌های سخنوری. از این روی، از دید سخندان و سخن‌سنج می‌باید به ترفندها و آرایه‌های شاعرانه نگریست؛ نه از دید سخنور، سخن‌سنج زمانی بدین آرایه در بیت باز می‌خورد و از آن یاد می‌آورد که به «بن» بیت (=عجز) رسیده باشد؛ در این هنگام است که ذهن او از بن به سر باز می‌رود» (کزازی، ۱۳۹۶: ۶۹).

مؤلفان کتاب بلاغت بدیع و بیان، بعد از نقل قول مطلب همایی چنین اظهار نظر کرده‌اند: «در پایان باید گفت تفاوت اصطلاح شمس قیس به معنای حروف «الی» در عربی مربوط است. کلمه قبل از الی، مبدأ و کلمه بعد از آن، مقصد را در زمان و مکان نشان می‌دهد. از این رو تعبیر او برای نام‌گذاری این آرایه درست تر است» (انوری و عالی عباس‌آباد، ۱۳۹۳: ۲۳).

ج: کتاب‌هایی که هر دو تعبیر را قابل توجیه دانسته‌اند، فقط به بیان نظر مخالف و موافق که بیشتر بیان شد پرداخته‌اند:

یکی دیگر از کتاب‌های بلاغی نوشته است: «شمس قیس رازی از دو نوع ردالصدر الی العجز و ردالعجز الی الصدر نام برده است که بیشتر بدیع‌نویسان به دلیل نوع ترکیب شمس قیس، آن نام را ارجح و اصح و فقط استاد همایی آن را اشتباه دانسته است. در این نوشته برای رفع شبهات با نام «تصدیر» آورده شد» (اسفندیارپور، ۱۳۸۸: ۸۳).

مؤلف کتاب معانی بیان چنین می‌نویسد: «شمس‌الدین محمد بن قیس رازی در المعجم می‌گوید: چون آن‌چه در آخر بیت آمده باشد، در اول دیگری بازآرند آن را ردالعجز الی الصدر گویند. ... ولی در کتب تازی از قبیل مفتاح و تلخیص و مطول ردالعجز علی الصدر بر مثال‌ها که آوردیم اطلاق می‌شود و عجز و صدر در یک بیت می‌آید؛ ولی ظاهراً عقیده شمس قیس این است که ردالعجز باید در دو بیت تحقق یابد. عجز در بیت اول و صدر در بیت دوم و طریق سکاکی و خطیب دمشقی و تفتازانی را ردالصدر الی العجز نامیده است» (آهنی، ۱۳۶۰: ۲۴۰-۲۴۰). ایشان تصدیر را ذیل دو نوع الف: ردالعجز علی الصدر و ب: ردالصدر علی العجز توضیح داده است (همان: ۹۱-۸۳).

در کتاب هنر بدیع آمده است: «کسانی این صنعت را «ردالصدر الی العجز» نامیده‌اند و هر دو تعبیر قابل توجیه است» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۶۵).

نویسنده کتاب نقد بدیع چنین می‌نویسد: «... این دو اصطلاح، ردالعجز علی الصدر (الی الصدر) و ردالصدر علی العجز در بعضی متون بلاغی به نحوی دیگر توصیف شده است.» (فشارکی، ۱۳۸۷: ۴۸-۴۷) بعد به ذکر نظر شمس قیس و رادویانی می‌پردازد و سرانجام می‌نویسد: «به هر حال هر دو تعریف با هر دو اصطلاح همخوانی دارد و هر یک را به هر دو تفسیر می‌توان بیان داشت» (همان: ۴۹).

یکی دیگر از کتاب‌های بلاغی نوشته است: «در بعضی از کتاب‌های بدیع، نام این دو صنعت جابه‌جا شده است؛ یعنی به مورد اول، ردالعجز علی الصدر و به مورد دوم، ردالصدر علی العجز گفته‌اند. ردالصدر علی العجز را «تصدیر» و «مطابقه» نیز گفته‌اند. گاهی به جای حرف جر «علی»، حرف «الی» نیز به کار رفته است (ردالصدر الی العجز) باید دانست که فعل «رد» در عربی لازم است و با هر دو حرف جر نام برده یعنی «الی» و «علی» متعدی می‌شود. بنابراین از نظر صرف عربی، هم می‌توان گفت: «ردالصدر علی العجز» و هم می‌توان گفت: «ردالصدر الی العجز» و فرقی بین آن دو نیست... تفاوت میان این دو صنعت در آن است که «ردالصدر علی العجز» مخصوص یک بیت است و «ردالعجز علی الصدر» در دو بیت مطرح می‌شود» (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

۳-۱. نقد صنعت ادبی رد الصدر علی العجز در آثار بلاغی

در آثار بلاغی این صنعت را از زوایای گوناگونی مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند؛ یکی از این مباحث بحث‌انگیز، نام‌گذاری این صنعت با «الی» یا «علی» است: «یکی از نکات بارز در اسامی مختلف این آرایه دو صورت مختلف (رد الصدر الی العجز و رد العجز علی الصدر) برای آن است که بر اساس این که حرف اضافه «الی» جای واژه‌های صدر و عجز عوض شده است. همایی در پاورقی به این نکته اشاره کرده و گفته است: «در کتب بدیع فارسی و عربی به همین صورت «ردالعجز علی الصدر» و فقط در نسخه چاپی المعجم «ردالعجز الی الصدر» به لفظ «الی» نوشته و تعدیه فعل رد به الی و علی هر دو به یک معنی آمده است» (دانش به نقل از همایی، ۱۳۹۱: ۲۰۴). در ادامه می‌نویسد «استاد همایی پس از بحث ردالعجز علی الصدر و ردالصدر علی العجز نیز بر این عقیده است که صاحب المعجم آن را اشتباه ارائه کرده است» (همان: ۲۰۴). سپس عین مطلب همایی را بیان می‌کند و در نقد آن می‌نویسد: «حقیقت این است که این تعریف و مثال آن در المعجم چنان بی‌نظم ارائه شده که اینجانب نیز مثل همایی ابتدا بر این بودم که شمس قیس عنوان رد العجز الی الصدر را برای بنسری یا تصدیر آورده؛ اما پس از دقت بسیار متوجه شدم که گسستگی مطلب و نوع حروف چینی، مخاطب را به این اشتباه می‌اندازد. رازی این آرایه‌ها را در ضمن تجنیس آورده و هنگام بحث از جناس تام می‌نویسد:

به یمین تو چرخ داده یسار به یسار تو ملک خورده یمین

و در این بیت صنعت دیگری هست که آن را رد الصدر الی العجز و چون آنچه در آخر بیت آمده باشد در اول دیگری باز آرند آن را رد العجز الی الصدر گویند و مثال «رد صدر را بی تجنیس چنانکه غضایری گفته است:

عصا برگرفتن نه معجز بود همی ازدها کرد باید عصا
(رازی: همان: ۳۳۸ و ۳۳۹)

بنابراین همایی که از رد الصدر الی العجز که درشت نوشته شده شروع به خواندن کرده جمله را این طور دریافته است: رد الصدر الی العجز و چون آن چه در آخر بیت آمده باشد در اول دیگری باز آرند؛ اما اگر ادامه می‌داد جمله بعد که گفته مثال «رد صدر» بی تجنیس چنان که غضایری گفته و مثال مطلب را برای او روشن می‌کرد چون برای رد صدر آن مثال را آورده؛ پس مؤلف المعجم برخلاف گفته همایی رد الصدر الی العجز را برای تصدیر به کار برده نه ردالعجز الی الصدر را» (ابراهیم دانش، ۱۳۹۱: ۲۰۴).

در کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی برای عنوان این صنعت چنین آمده است: «ردالعجز علی الصدر» (همایی، ۱۳۸۹: ۵۵). در پاورقی آمده است: «در کتب بدیع فارسی و عربی به همین صورت ردالعجز علی الصدر و فقط در نسخه چاپی المعجم (چاپ طهران: ص ۳۳۸) ردالعجز الی الصدر به لفظ «الی» نوشته و تعدیه فعل رد به الی و علی هر دو یک معنی آمده است. (همان: ۵۵) در ادامه در معرفی «ردالصدر علی العجز» (همان: ۵۶) در پاورقی آمده است: «اینجا نیز در کتاب المعجم الی العجز نوشته است. (ص ۳۳۸)» (همان: ۵۶).

در این جا منظور همایی بیان «الی» به جای «علی» است و اتفاقاً بیش و پیش از بقیه مطلب آن چیزی که توجه همایی را جلب کرده است، همین «الی» و «علی» است که موضوع بحث این نوشتار است. هر چند می‌شود گفت که آن چه در پاورقی ص ۵۵ آمده است یعنی «ردالعجز الی الصدر» در کتاب المعجم «ردالصدر الی العجز» است. هم چنین آن چه در پاورقی ص ۵۶ آمده است یعنی «ردالصدر علی العجز»، در کتاب المعجم «ردالعجز الی الصدر» است. اگر منظور ابراهیم دانش این بخش از کلام باشد، حق با ایشان است؛ اما چنان که پیش تر هم بیان شد، در این جا منظور همایی بیان «الی» به جای «علی» است؛ چون در صفحه ۵۷ کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی، اصلاح شده، توضیح کامل داده و ابهامی باقی نگذاشته است. جهت روشن تر شدن مطلب دوباره عین نقل قول

آورده می‌شود: «اولا ردالعجز إلى الصدر و ردالصدر إلى العجز نوشته؛ یعنی کلمهٔ إلى به‌جای علی آورده است و دیگر آن که تعریف این دو صنعت را درست برخلاف و عکس چیزی گفته است که مورد اتفاق همهٔ علما و مؤلفان بدیع عربی و فارسی است به این قرار که رد الصدر الی العجز را در معنی ردالعجز علی الصدر معروف آورده و برعکس رد العجز إلى الصدر را در معنی رد الصدر علی العجز معروف گفته است» (همایی، ۱۳۸۹: ۵۷). چنان که پیش‌تر بیان شد، پیش از همایی، نویسندهٔ *بدایع الصنائع*، در این مورد چنین آورده است: «و آن کس که این ملاحظه نکرده، این صنعت را ردالصدر الی العجز نام نهاده، چنان‌که شمس قیس نقل کرده و هم او گفته که چون آن‌چه در آخر بیتی آمده باشد، در اول دیگری باز آرند، آن را رد العجز الی الصدر گویند» (حسینی نیشابوری، ۱۳۴۵: ۱۱۶).

مؤلف کتاب *روش گفتار* در تبصره‌ای نوشته است: «شمس‌الدین محمد بن قیس رازی در تعریف تصدیر گوید: هر گاه شاعر لفظی را که در آخر بیتی آورده و در آغاز شعر دیگری بیاورد، آن را ردالصدر الی العجز خوانند، مانند:

قوام دولت و دین روزگار فضل و هنر زفضل وافر تو یافت زیب و فر و نظام
نظام ملت و ملکی عجب نباشد اگر بروتق است در این روزگار کلک و حسام»

(زاهدی، ۱۳۴۶: ۳۲۹)

برخلاف نظر ایشان، چنان‌که از متن *المعجم* کاملاً هویدا است، شمس قیس این ابیات را نمونه و شاهد مثال ردالعجز علی الصدر آورده است (۱۳۶۰: ۳۱۱-۳۱۰) و (۱۳۸۸: ۳۵۳).

اما مطلب دیگری که در مورد این صنعت بیان شده است، باید به مقالهٔ *تحلیل و بررسی دیدگاه اندیشمندان علوم بلاغی در زمینه تصدیر اشاره* کرد که پس از بررسی این صنعت در کتاب‌های بلاغی و بیان اظهار نظر همایی در کتاب *فنون بلاغت و صناعات ادبی* می‌نویسد: «در این که شمس قیس رازی این اصطلاحات را به گونه‌ای که استاد همایی به آن اشاره کرده، آورده، شکی نیست؛ اما وی اولین کسی نیست که این اصطلاح را این گونه ذکر کرده است؛ بلکه بسیار پیش از او، *رادویانی* در کتاب *ترجمان البلاغه* همین مطلب را تحت عنوان «مطابقه» بیان کرده است. ... بنابراین به نظر می‌رسد منشأ این تعریف، *رادویانی* بوده که تعریف وی مبنای تعریف شمس قیس نیز قرار گرفته است؛ زیرا وی بین دبیران و پارسی‌گویان نیز تفاوت قائل شده است که با توجه به مکاتبات دبیران آن زمان به زبان عربی، به نظر می‌رسد آنان را تحت تأثیر تعاریف زبان عربی معرفی کرده باشد و این مسئله خطای وی و شاید هم عدم تسلط او را بر زبان عربی می‌نمایاند؛ زیرا همان‌گونه که پیشتر اشاره کردیم - همهٔ تعاریف موجود کتب عربی در این زمینه از *ابن معنر* تا تعاریف علمای معاصر، همگی - تکرار واژهٔ صدر را در عجز یک بیت یا یک فقره نثر، ردالعجز علی الصدر خوانده‌اند؛ در حالی که وی آن را ردالصدر علی الفخذ خوانده است که با دگرگون کردن این نام، به‌جای عجز، فخذ (= ران) را به کار برده است که در هیچ‌یک از کتب بلاغی عربی، این نام‌گذاری چنین نیست؛ علاوه بر این با جابه‌جا کردن واژه‌های صدر و عجز نام این آرایه را نیز به گونه‌ای متفاوت با علمای عربی به کار برده است؛ از این رو کتاب *شمس قیس رازی* دومین اثر بلاغی است که نام این آرایه را تغییر داده است نه اولین کتاب» (پارسا، ۱۳۹۱: ۱۸). در ادامه می‌افزاید: «بر خلاف نظر استاد همایی، *شمیسا*، *فشارکی* و دیگران، نه *شمس قیس رازی*، بلکه *محمد بن عمر رادویانی* مؤلف *ترجمان البلاغه* است؛ زیرا «*رادویانی* از ادیبان نیمهٔ دوم قرن پنجم هجری قمری است» (معین، ۱۳۷۵، ذیل *رادویانی*)، در حالی که *شمس قیس رازی*، متعلق به قرن هفتم هـ ق است؛ از این رو اگر *شمس قیس* را دنباله‌رو نظر *رادویانی* ندانیم، دست کم باید گفت هر دو در تعریف این آرایه وحدت نظر دارند» (پارسا، ۱۳۹۱: ۲۱).

نظر پارسا در این مورد درست است و ایشان با تیز بینی این نکته را دریافته است. اکنون در این نوشتار به بحث «علی» و «الی» در این صنعت ادبی - که داوری‌ها و نگرش‌های موافق و مخالف مختلفی را در پی داشته است - خواهیم پرداخت؛ از همین روی، جهت تکمیل این بحث، ذکر چند نکته خالی از فایده نیست.

نخست به مطلبی دیگر که در مقاله ایشان در نقد مطلب مؤلف نقد بدیع در مورد این صنعت ادبی آمده است، می‌پردازیم؛ سپس به ذکر بحث تکمیلی در مورد این صنعت خواهیم پرداخت. در ادامه چنین آمده است: «فشارکی، ضمن اشاره به نظرات شمس قیس رازی و رادویانی چنین می‌گوید: «به هر حال هر دو تعریف با هر دو اصطلاح همخوانی دارد و هر یک را به هر دو تفسیر می‌توان بیان داشت» (فشارکی، ۱۳۷۹: ۴۹-۴۷) در جملات بالا مشخص نیست منظور کدام دو تفسیر است؛ زیرا تعریف شمس قیس رازی در واقع همان تعریف رادویانی است. با این تفاوت که رادویانی با تقسیم‌بندی شش‌گانه خود براساس تکرار عین لفظ، بیان معنی مخالف، اشتقاق دو واژه صدر و عجز و مواردی این چنینی، گسترش بیشتری به تقسیم‌بندی تعریف خود داده است؛ بنابراین فشارکی نه به هم‌خوانی‌ها و تفاسیر در اظهار نظر خود اشاره‌ای کرده است و نه از دلیل یا دلایل ترجیح خود در برگزیدن «ردالعجز علی الصدر» بر «رد الصدر الی العجز» سخنی به میان آورده است» (پارسا، ۱۳۹۱: ۲۱).

برای آشکار شدن منظور و مقصود فشارکی در این زمینه، باید از صفحه ۴۷ کتاب ایشان شروع کرد که نوشته است: «این دو اصطلاح، ردالعجز علی الصدر (الی الصدر) و ردالصدر علی العجز، در بعضی متون بلاغی به نحوی دیگر توصیف شده است. شمس قیس رازی ردالعجز الی الصدر را آن می‌داند که دیگران در مورد ردالصدر علی العجز گفته‌اند؛ یعنی کلمه‌ای که آخر بیت است در آغاز بیت بعد تکرار شود... و ردالصدر را آن می‌داند که کلمه‌ای که در آغاز بیت است، در پایان آن نیز بیاید و همان مثال معروف را:

عصا بر گرفتتن نه معجز بود همی ازدها کرد باید عصا

آورده است و مثال ردالعجز الی الصدر (در المعجم «الی» آمده) را چنین آورده:

قوام دولت و دین روزگار فضل و هنر ز فضل وافر تو یافت زیب و فر و نظام
نظام ملت و ملکی عجب نباشد اگر به رونق است درین روزگار کلمک و حسام
حسام و کلمک تو کردند کام اعدا کم روا و رای تو بردند از زمانه ظلام

رادویانی تحت عنوان مطابقه چنین آورده: آن است که دو چیز به هم آرند، چون شاعر لفظی را به اول بیت یاد کند و باز همان لفظ را به آخر قافیه گرداند، آن را پارسی‌گویان مطابقه خوانند؛ فاما دبیران آن را ردالصدر علی الفخذ خوانند؛ یعنی پس و پیش و آن را بر شش گونه کرده است... (فشارکی، ۱۳۸۷: ۴۸-۴۷) و بعد از نقل شش گونه مورد نظر رادویانی، در ادامه می‌افزاید: «به هر حال هر دو تعریف با هر دو اصطلاح همخوانی دارد و هر یک را به هر دو تفسیر می‌توان بیان داشت» (همان: ۴۹).

در این جا منظور فشارکی از دو تفسیر آشکار می‌شود که همان تفسیری است که در مورد ردالعجز علی الصدر و ردالصدر الی العجز در کتاب‌های بلاغی وجود دارد؛ چنان که در ص ۴۷ کتاب هم نوشته است: «این دو اصطلاح، ردالعجز علی الصدر (الی الصدر) و ردالصدر علی العجز، در بعض متون بلاغی به نحوی دیگر توصیف شده است» (همان: ۴۹).

اما در مورد این قسمت از مقاله پارسا که نوشته است: «زیرا تعریف شمس قیس رازی، در واقع همان تعریف رادویانی است.» (ص ۲۰) حق با ایشان است؛ چرا که اولین بار ایشان این وجه شباهت را دریافته و مقاله هم در همین باره و به همین مطلب پرداخته است.

حال جهت تکمیل سخن ایشان، ذکر چند نکته خالی از فایده نیست.

الف): چنان‌که پیشتر بیان شد، مأخذ اصلی رادویانی در تالیف کتاب ترجمان‌البلاغه، محاسن‌الکلام‌المرغینانی بوده است و همان‌طور که گفتیم، المرغینانی عنوان «المطابقه» را برای این صنعت به کار برده است و رادویانی از ایشان گرفته است.

ب): رادویانی گفته است «فاما دیران آن را رد‌الصدر علی الفخذ خوانند.» (رادویانی، ۱۳۶۲: ۲۷) و شمس‌قیس «رد‌الصدر الی العجز» (۱۳۲۶: ۳۱۰). بنابراین در عنوان «رد‌الصدر» رادویانی و شمس‌قیس اشتراک دارند؛ اما در «علی» و «الی» مشترک نیستند.

۲-۳. تطور عنوان «رد‌العجز علی (الی) الصدر» در کتاب‌های بلاغی عربی

نویسنده	کتاب	عنوان صنعت	صفحه
جاحظ	البيان و التبيين - الحيوان	-	-
ابن معتر	البدیع	رد اعجاز الکلام علی ماتقدمها	۴۷
ابن قتیبه	تأویل مشکل القرآن	-	-
المبرد	الکامل	-	-
ثعلب	قواعد الشعر	-	-
ابن طباطبا العلوی	عیار الشعر	-	-
قدامه بن جعفر	نقد الشعر	توشیح	۱۶۷
رمانی	النکت فی اعجاز القرآن	-	-
قاضی عبدالجبار	الوساطه بین الممتنی و خصومه	-	-
الحاتمی	حلیه المحاضره	التصدير	۱۶۲
ابوهلال عسکری	الصناعتین	رد الاعجاز علی الصدور	۲۸۵
ثعالبی	روضه الفصاحه	رد العجز علی الصدور	۱۰۱
باقلانی	اعجاز القرآن	رد عجز الکلام علی صدره	۹۴-۹۳
ابن رشیق	العمده	التصدير	۴/۲
ابن سنان خفاجی	سرافصاحه	التوشیح، تسهیم	۱۵۳
المرغینانی	نصر ابن حسن	المطابقه، رد الاعجاز علی الصدور	۱۸
عبدالقاهر جرجانی	دلائل الاعجاز	-	-
زمخشری	اساس البلاغه	-	-

۵۱	الترديد و يسمى التصدير	البدیع فی نقد الشعر	ابن منقذ
۶۳	ردالعجز علی الصدر	نهايه الايجاز فی درايه الاعجاز	فخر رازی
۴۳۰	ردالعجز الی الصدر	مفتاح العلوم	سکاکی
۱۷۹	ردالعجز علی الصدر	التبيان فی علم البيان	ابن زملکانی
۳۹۹	ردالعجز علی الصدر	الايضاح	خطیب قزوینی
۳۸۴	ردالاعجاز علی الصدور	المثل السائر	ابن اثیر
۳۵۱	رد اعجاز بر صدور	بدیع القرآن	ابن ابی الاصبغ
۱۹۵	ردالعجز علی الصدر	المصباح	ابن مالک
۵۱۱	ردالعجز علی الصدر	البرهان	زرکشی
۳۷۱	ردالعجز علی الصدر	مطول و مختصر	تفتازانی
۲۱۴	رد العجز علی الصدر	حسن التوسل	الحلبی
۲۹۳	ردالعجز علی الصدر	عروس الافراح	سبکی
۱۱۴	التصدير و هو ردالعجز علی الصدر	خزانه الادب و غایت الارب	ابن حجه حموی
۴۰۸	ردالعجز علی الصدر	الطراز	حمزه العلوی
۳۲۶	تصدير	الاتقان فی علوم القرآن	سیوطی
۱۴۸	ردالعجز علی الصدر	شرح عقودالجمان	سیوطی
۹۴، ج ۳	ردالعجز علی الصدر	انوارالربیع	المدنی شیرازی
۴۱۲	ردالعجز علی الصدر	جواهر البلاغه	الهاشمی
۲۲۸	التصدير	معجم المصطلحات البلاغیه و تطورها	مطلوب
۵۵۱	تصدير	کشاف اصطلاحات الفنون	تهانوی
۳۸۷	ردالعجز علی الصدر	الراح القراح	سبزواری

۳-۳. تطور عنوان «ردالعجز علی (الی) الصدر» در کتابهای بلاغی فارسی

نویسنده	کتاب	صنعت	صفحه
---------	------	------	------

۲۷	المطابقه، ردالصدر علی الخفد	ترجمان البلاغه	رادویانی
۱۸	ردالعجز علی الصدر، مطابق و مُصدّر	حدایق السحر فی دقایق الشعر	وطواط
۳۱۰	ردالصدر الی العجز ردالعجز الی الصدر	المعجم	رازی
۲۶۰ ۲۶۳	ردالعجز علی الصدر ردالصدر علی العجز	معیار جمالی	شمس فخری
۹۹ ۱۰۱	متصادر معاد	بدایع الافکار فی صنایع الاشعار	کاشفی سبزواری
۱۴۱	ردالعجز علی الصدر: تصدیر	دره نجفی	آقاسردار
۱۵۴	تصدیر	علم بدیع	دایی جواد
۳۲۴	تصدیر یا ردالعجز علی الصدر	روش گفتار	زاهدی
۸۳	تصدیر (ردالعجز علی الصدر و ردالصدر علی العجز)	عروسان سخن	اسفندیارپور
۱۹	تصدیر (ردالعجز علی الصدر)	بلاغت، بدیع و بیان	انوری و عالی عباس آباد
۶۹ ۷۳	بُنسری سَرَبَنی	بدیع زیباشناسی سخن پارسی	کزازی
۷۹ ۸۰	ردالصدر الی العجز (بردن صدر به عجز) ردالعجز الی الصدر (بردن دنبال به آغاز)	زیورهای سخن (صناعات ادبی) و گونه‌های شعر پارسی	نوروزی
۵۰	هم پاغازی (ردالصدر علی العجز)	هنر سخن آرایی (فن بدیع)	راستگو

۵۲	هم آغاز و پایانی		
۸۸	رد عجز به صدر	علوم بلاغی معانی بیان بدیع	مردوخی

ذکر این نکته ضروری است چنان که مولفان مقاله «مقایسه بخش بدیع معیار جمالی شمس فخری با حدائق السحر رشیدالدین وطواط» نیز به درستی بیان کرده‌اند، «شمس فخری در طرح صنایع بدیعی علاوه بر حدایق و المعجم به قصیده بدیعیه قوامی مطری نیز نظر داشته است» (مظاهری و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۰). جالب این جاست که مؤلف معیار جمالی عنوان این صنعت را مطابق حدائق السحر وطواط بیان می‌کند؛ یعنی «ردالعجز علی الصدر» و «ردالصدر علی العجز» می‌گوید؛ اما در تعریفی که از این صنعت ارائه می‌دهد و نیز در نمونه‌ها و شاهد مثال‌ها، تحت تأثیر شمس قیس در المعجم است و طبق نظر شمس قیس عمل کرده است و حتی به نقد نظر وطواط می‌پردازد (فخری اصفهانی، ۱۳۸۹: ۲۶۱-۲۶۰). این نکته نیز خالی از فایده نیست که برخلاف دیگر کتاب‌های بلاغی که معمولاً نخست ردالصدر را مطرح می‌کنند و بعد به ردالعجز می‌پردازند، مؤلف معیار جمالی، نخست ردالعجز را مطرح کرده است و بعد به ردالصدر پرداخته است.

در دیگر کتاب‌های بلاغی همان ردالعجز علی الصدر آمده است. از جمله: (تاج الحلاوی، ۱۳۸۳: ۲۶)، (رامی تبریزی، ۱۳۴۱: ۲۳)، (حسینی نیشابوری، ۱۳۸۴: ۱۱۱-۱۱۲)، (کاشفی، ۱۳۶۹: ۹۹)، (جام هروی، ۱۳۹۹: ۱۹۹)، (مازندانی، ۱۳۷۶: ۳۵۷)، (فندرسکی، ۱۳۸۱: ۱۳۹)، (انصاری، ۱۹۵۶: ۴۶)، (آزاد بلگرامی، ۱۳۸۲: ۱۰۲)، (هدایت، ۱۳۸۳: ۸۸)، (آق اولی، ۱۳۷۳: ۲۱۶)، (گرکانی، ۱۳۷۷: ۲۵۱)، (رجایی، ۱۳۵۹: ۴۰۷)، (ذکائی بیضائی، ۱۳۶۴: ۱۹۰)، (تقوی، ۱۳۶۳: ۳۲۲)، (همایی، ۱۳۸۹: ۵۵)، (آهنی، ۱۳۶۰: ۲۳۶)، (فشارکی، ۱۳۸۷: ۴۶)، (راستگو، ۱۳۹۷: ۵۳-۵۲)، (صادقیان، ۱۳۸۷: ۶۹)، (عقدایی، ۱۳۹۶: ۱۶)، (نوروزی، ۱۳۷۸: ۷۹)، (محبتی، ۱۳۸۶: ۷۸)، (احمدنژاد، ۱۳۸۲: ۱۲۵)، (خزائلی و سادات ناصری، ۱۳۳۴: ۹۲)، (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۶۵)، (بهزادی اندوهجردی، ۱۳۷۵: ۶۳).

آنچه در کتاب‌هایی قبلی، تحت عنوان ردالعجز علی الصدر آمده در کتاب‌های زیر با عنوان ردالصدر الی (علی) العجز آمده است: (رازی، ۱۳۲۷: ۳۱۰)، (فخری اصفهانی، ۱۳۸۹: ۲۶۰)، (شمیسا، ۱۳۹۸: ۷۶)، (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۴: ۴۱)، (مسعودی، ۱۳۷۰: ۱۰۱-۱۰۲)، (قنبری، ۱۳۶۸: ۹۷)، (ثامنی، ۱۳۴۱: ۱۱۱-۱۱۲)، (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۳۷)، (رنجبر، ۱۳۸۵: ۷۶)، (داد، ۱۴۰۰: ۲۵۷).

نویسنده محاسن الکلام این صنعت را با عنوان «المطابقه» آورده است. (المرغینانی، ۱۳۶۴: ۲۰) چنان که رادویانی در مقدمه کتاب خود بیان می‌کند، مأخذ اصلی کتاب ترجمان البلاغه، محاسن الکلام مرغینانی است: «و عامه باب‌های این کتاب را بر ترتیب فصول محاسن الکلام کی خواجه امام نصر بن الحسن رضی الله عنه - نهاده است، تخریج کردم و از وی مثال گرفتم و لقبش را ترجمان البلاغه اختیار کردم.» (رادویانی، ۱۳۶۲: ۴-۳) از همین روی، رادویانی این صنعت ادبی را با عنوان «مطابقه» آورده است و می‌نویسد: «معنی مطابقه آن است کی دو چیز به هم آرند، چون شاعر لفظی را به اول بیت یاد کند و باز همان را به آخر قافیه گرداند، آن را پارسی گویان مطابق خوانند؛ فاما دبیران آن را ردالصدر علی الفخذ خوانند؛ یعنی پس و پیش. و مطابق آن را خوانند این گروه کی پارسی گویان آن را متضاد خوانند.» (همان: ۲۷)

حال که پیشینه «ردالصدر» در مقاله پارسا آشکار شد، شایسته است که پیشینه «علی» و «الی» هم آشکار شود.

۳-۴. کتاب‌هایی که «الی» به جای «علی» آورده‌اند

نویسنده	کتاب	صنعت	صفحه
سکاکی	مفتاح العلوم	ردالعجز الی الصدر	۴۳۰
رازی	المعجم	ردالصدر الی العجز	۳۱۰
تاج‌الحلاوی	دقایق الشعر	ردالعجز الی الصدر	۲۹
خرائلی و سادات ناصری	بدیع و قافیه	ردالصدر الی العجز	۹۲
شمیسا	نگاهی تازه به بدیع	ردالصدر الی العجز	۷۶
وحیدیان کامیار	بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی	ردالصدر الی العجز	۴۱
مسعودی	زبان شعر	ردالصدر الی العجز	۱۰۲
قنبری	گوهر کده	ردالصدر الی العجز	۹۷
ثامنی	فنون شعری	ردالصدر الی العجز	۱۱۱
رنجبر	بدیع	ردالصدر الی العجز	۷۶
نوروزی	زیورهای سخن	ردالصدر الی العجز	۷۹
مرتضایی	بدیع از بلاغت	ردالعجز الی الصدر	۱۱۶
داد	فرهنگ اصطلاحات ادبی	ردالصدر الی العجز	۲۵۷

۳-۵. کتاب‌هایی که «علی» به جای «الی» آورده‌اند

کتاب‌هایی زیر تعریفی طبق نظر رادویانی و شمس قیس رازی ارائه داده‌اند، اما به جای «الی»، «علی» آورده‌اند.

نویسنده	کتاب	صنعت	صفحه
رادویانی	ترجمان البلاغه	فی المطابقه، - ردالصدر علی الفخذ	۲۷
فخری اصفهانی	معیار جمالی	ردالصدر علی العجز	۲۶۳
رنجبر	بدیع	ردالصدر علی العجز	۷۶
محمدی	بلاغت معانی، بیان، بدیع	ردالصدر علی العجز	۱۳۷

عقدایی	بديع در شعر فارسی	ردالصدر <u>علی العجز</u>	۱۵
--------	-------------------	--------------------------	----

آن گونه که از جدول فوق (ج) بر می آید و از مطالعه و واری «علی» و «الی» در صنعت ردالعجز علی (الی) الصدر یا ردالصدر الی (علی) العجز معلوم می شود، پیشینه «الی» در این آرایه -و باعث این تشبیه و کشمکش، نه شمس قیس، بلکه پیشتر از او -در کتاب مفتاح العلوم سکاکی به کار رفته است؛ از دیگر سوی نیز آن گونه که نویسنده مقاله «تحلیل و بررسی دیدگاه های اندیشمندان علوم بلاغی در زمینه تصدیر» بیان کرده است، رادویانی «آن را ردالصدر علی الفخذ خوانده است که با دگرگون کردن این نام، به جای عجز، فخذ (= ران) را به کار برده است که در هیچ یک از کتب بلاغی عربی، این نام گذاری چنین نیست؛ علاوه بر این با جا به جا کردن واژه های صدر و عجز نام این آرایه را نیز به گونه ای متفاوت با علمای عربی به کار برده است؛ از این رو کتاب شمس قیس رازی دومین اثر بلاغی است که نام این آرایه را تغییر داده است نه اولین.» (پارسا، ۱۳۹۱: ۲۱) از همین روی با چنین واری و تطوری مشخص شد که «الی» به جای «علی» و «ردالصدر» به جای «ردالعجز» پیش از شمس قیس مسبوق به سابقه است. نخستین کسی که «الی» به جای «علی» به کار برده است، سکاکی در مفتاح العلوم است؛ از همین روی، به نظر می رسد، شمس قیس «ردالصدر» را از رادویانی و «الی» را از سکاکی گرفته باشد و ترکیب «ردالصدر الی العجز» را ساخته باشد.

ذکر این نکته ضروری است چنانکه پیشتر هم بیان شد، هدف ما در این پژوهش مشخص کردن این نکته است که کاربرد «الی» به جای «علی» و «ردالصدر» به جای «ردالعجز» پیش از شمس قیس مسبوق به سابقه است و نخستین کسی که «الی» را به جای «علی» به کار برده است، سکاکی در مفتاح العلوم است. از این روی در صدد داوری و ترجیح و برتری این دو اصطلاح نبوده ایم؛ اما با توجه به تعریف و توضیحی که کتاب های بلاغی در این زمینه بیان داشته و چنانکه دیگر کتاب های بلاغی نیز اظهار نظر کرده اند، «هر دو اصطلاح» و نظر پذیرفتنی و «قابل توجه» است

اکنون که گفتار به این جا رسید، شایسته است جهت اطلاع بلاغت دوستان، نگاهی به تطور تصدیر نیز بیندازیم:

۳-۶. تطور عنوان التصدیر در کتاب های بلاغی

نویسنده	کتاب	صنعت	صفحه
الحاتمی	حلیه المحاضره	التصدیر	۱۶۲
ابن رشیق	العمده	التصدیر	۴/۲
ابن منقذ	البديع فی نقد الشعر	التردید و یسمى التصدیر	۵۱
ابن حجه حموی	خزانه الادب و غایت الارب	التصدیر و هو ردالعجز علی الصدر	۱۱۴
سیوطی	الاتقان فی علوم القرآن	تصدیر	۳۲۶
مطلوب	معجم المصطلحات البلاغیه و تطورها	التصدیر	۲۲۸

۵۵۱	تصدیر	کشاف اصطلاحات الفنون	تهانوی
۹۹	متصدر	بدایع الافکار فی صنایع الاشعار	کاشفی سبزواری
۱۴۱	ردالعجز علی الصدر: تصدیر	دره نجفی	آقاسردار
۱۵۴	تصدیر	علم بدیع	دایی جواد
۳۲۴	تصدیر یا ردالعجز علی الصدر	روش گفتار	زاهدی
۸۳	تصدیر (ردالعجز علی الصدر و ردالصدر علی العجز)	عروسان سخن	اسفندیارپور
۱۹	تصدیر (ردالعجز علی الصدر)	بلاغت، بدیع و بیان	انوری و عالی عباس آباد

چنان که از مشاهده جدول فوق استنباط می‌شود، نخستین کسی که اصطلاح «التصدیر» را به کار برده است، «الحاتمی» در کتاب «حلیه المحاضر» است.

۴. نتیجه گیری

بر اساس آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت که بررسی و کندوکاو پیشینگی صناعات ادبی، امری به‌غایت ناگزیر و الزامی است تا بدین گونه تطور، چونی پیدایی، نامیدن مجدد و سپس میزان کاربرد آن در روزگاران بازپسین را بازشناخت و واگویی و ترسیم فرازونشیب موجود در کلیت هریک از طرفدها و شگردهای ادبی را با ژرف‌اندیشی فراگیر متوجه شد تا هم بلاغت‌دوستان را سودمند افتد و هم بلاغت‌پژوهان را از تردید و دودلی برهاند؛ از این روی با چنین نگرشی به تطور «علی» و «الی» در صنعت ردالعجز علی (الی) الصدر یا ردالصدر الی (علی) العجز پرداختیم و دریافتیم که سابقه‌الی در این صنعت و منشأ این اختلاف نظر، نه شمس قیس؛ بلکه پیش‌تر از او در کتاب *مفتاح‌العلوم سکاکی* سابقه دارد. همچنین چنان که پارسا در مقاله «تحلیل و بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان علوم بلاغی در زمینه تصدیر» نیز نوشته‌اند: «وی [رادویانی] آن را ردالصدر علی الفخذ خوانده است که با دگرگون کردن این نام، به‌جای عجز، فخذ (= ران) را به کار برده است که در هیچ‌یک از کتب بلاغی عربی، این نام‌گذاری چنین نیست. علاوه بر این، با جابه‌جا کردن واژه‌های صدر و عجز نام این آرایه را نیز به گونه‌ای متفاوت با علمای عربی به کار برده است. از این رو کتاب شمس قیس رازی دومین اثر بلاغی است که نام این آرایه را تغییر داده است نه اولین.» از همین روی با چنین واری و تطوری مشخص شد که «الی» به‌جای «علی» و «ردالصدر» به‌جای «ردالعجز» پیش از شمس قیس مسبوق به سابقه است.

سپاس‌گزاری

این اثر تحت حمایت مادی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (ISNF) برگرفته شده از طرح شماره ۹۹۰۰۱۹۲۳ انجام شده است.

This work is based upon research funded by Iran National Science Foundation under project No 99001923

منابع

- ابن ابی الاصبغ، ابومحمد زکی الدین عبدالعظیم المصری (۱۳۶۸) *بديع القرآن*، چاپ اول، ترجمه سیدعلی میرلوحی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابن اثیر، ضیاءالدین (۱۹۸۳) *المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر*، قدم له و حققه و شرح و علقه علیه: احمد الحوفی و بدوی طبانه، الرياض: دارالرفاعی.
- ابن السبکی، بهاءالدین ابو حامد احمد بن علی بن عبدالکافی (۲۰۰۱) *عروس الافراح فی شرح تلخیص المفتاح*، چاپ خلیل ابراهیم خلیل، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حجه الحموی، تقی الدین ابی بکر علی (۱۹۹۱) *خزانة الادب و غایت الارب*، چاپ عصام شعیتو، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- ابن رشیق القيروانی، ابوعلی الحسن بن علی (۱۹۳۴) *العمده*، حققه و علق حواشیه: محمد محی الدین عبدالحمید، الجزء اول، بالقاهره: مطبعه حجازی.
- ابن زملکانی، کمال الدین عبدالواحد (۱۹۶۴) *التبیان فی علم البیان*، تحقیق: احمد مطلوب و خدیجه الحدیثی، بغداد: مطبعه العانی.
- ابن مالک الدمشقی، ابو عبدالله بدرالدین (۲۰۰۱) *المصباح فی المعانی و البیان و البديع*، محقق: الدكتور عبدالحمید هنداوی، بیروت- لبنان: دارالکتب العلمیه.
- ابن معتز، عبدالله (۱۹۷۹) *البديع*، به کوشش: اغناطیوس کراتشکوفسکی، بغداد: مکتبه المثنی.
- ابن معتز، عبدالله (۱۳۹۵) *البديع*، ترجمه و تحقیق: یحیی کاردگر و بهاءالدین اسکندری، چاپ اول، قم: موسسه بوستان کتاب.
- ابن منقذ، اسامه (۱۹۶۰) *البديع فی نقد الشعر*، بتحقیق: احمد احمد بدوی و حامد عبدالحمید، قاهره- مصر: شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبي و اولاده.
- احمدنژاد، کامل (۱۳۸۲) *فنون ادبی*، چاپ چهارم، تهران: پایا.
- اسفندیاریور، هوشمند (۱۳۸۳) *عروسان سخن*، تهران: فردوس.
- آزاد بلگرامی، میر غلامعلی بن نوح (۱۳۸۲) *غزلان الهند*، تصحیح: سیروس شمیسا، تهران: صدای معاصر.
- آق اولی، عبدالحسین (۱۳۸۱) *درر الأدب*: در فن معانی، بیان، بديع، تهران: طبع کتاب.
- آقا سردار، نجف قلی میرزا (۱۳۶۲) *دره نجفی در علم عروضی بديع قافیه*، تصحیح: حسین آهی، چاپ اول، تهران، فروغی.
- آهنی، غلامحسین (۱۳۵۷) *معانی بیان*، تهران: بنیاد قرآن.
- الباقلائی، ابوبکر محمد بن الطیب (بی تا). *اعجاز القرآن*، تحقیق از احمد صقر، الطبعه الثانيه، مصر: دارالمعارف.
- باقلائی، محمد بن طیب (۲۰۰۱) *اعجاز القرآن*، مصحح: صلاح محمد عویضه، بیروت- لبنان: دارالکتب العلمیه.
- بهزادی اندوهجردی، حسین (۱۳۷۵) *بديع فنون و آرایش های ادبی*، چاپ اول، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- پارسا، سیداحمد، (۱۳۹۱)، «تحلیل و بررسی دیدگاه های اندیشمندان علوم بلاغی در زمنیه تصدیر»، *کاوش نامه*، سال ۱۳، شماره ۲۵، صص ۹-۲۶.
- تاج الحلاوی، علی بن محمد (۱۳۴۱) *دقایق الشعر*، به تصحیح و با حواشی و یادداشت های: سید محمد کاظم امام، تهران: دانشگاه تهران.
- الفتازانی، سعدالدین (۱۳۳۰ش) *المطول*، القاهره: مطبع احمد کامل.
- الفتازانی، سعدالدین (۱۳۶۹) *المختصر، الشرح و التعلیق و الحواشی لعبدالمتعال الصعیدی*، قم: انتشارات کتابسرا.

- تقوی، نصرالله (۱۳۶۳) *هنجارگفتار: در فن معانی و بیان و بدیع فارسی*، چاپ دوم، اصفهان: فرهنگ‌سرای اصفهان.
- تهانوی، محمدعلی بن علی (۱۸۲۶) *کشاف اصطلاحات‌الفنون*، کلکته.
- ثامنی، جعفر (۱۳۴۱) *فنون شعری*، چاپ اول، شیراز: فولادوند.
- التعالی، منصور (۱۹۹۳) *روضه‌الفصاحه*، حقیقه و علی علیه: محمد ابراهیم سلیم، مکتبه القرار، القاهره.
- جام هروی، سیف (۱۳۹۹) *جامع‌الصنایع و الاوزان*، تصحیح زینب صادقی‌نژاد، چاپ اول، تهران: انتشارات محمود افشار با همکاری انتشارات سخن.
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۹۵۴) *اسرارالبلاغه*، تحقیق ه. ریتز، استانبول.
- جرجانی، عبدالقاهر (بی تا) *دلایل‌الاعجاز*، چاپ رشید رضا، قاهره.
- الحاتمی، علی محمد بن الحسن بن المظفر (۱۹۷۹) *حلیه‌المحاضره فی صناعه‌الشعر*، تحقیق: جعفر الکتابی، بغداد: وزاره الثقافه و اعلام.
- حسن انوری، یوسف عالی عباس‌آباد (۱۳۹۳) *بلاغت: بدیع و بیان*، چاپ اول، تهران: فاطمی.
- حسینی نیشابوری، عطاءالله بن محمود (۱۳۸۴) *بدایع‌الصنایع*، تصحیح رحیم مسلمانان قبادیانی، چاپ اول، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- الحلی، شهاب‌الدین محمود (۱۹۸۰) *حسن التوسل الی الصناعه الترسل*، تحقیق و دراسه: اکرم عثمان یوسف، بغداد: دارالرشید.
- خزائلی، محمد و سادات نصری، حسن (۱۳۳۴) *بدیع و قافیه*، تهران: امیرکبیر.
- الخطیب‌القزوینی، محمد عبدالرحمن (۱۹۹۸م) *التلخیص فی علوم‌البلاغه*، شرح عبدالرحمان البرقوقی، بیروت: دار الکتب العربیه.
- خفاجی، محمد ابن عبدالله (۱۹۵۲) *سرافصاحه*، تصحیح: عبدالمتعال الصعیدی، مصر: مطبعه محمد علی صبیح و اولاده.
- داد، سیما (۱۳۸۰) *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران: مروارید.
- دانش، ابراهیم (۱۳۹۱) *بررسی انتقادی آرایه‌های بدیعی بر اساس کتب معتبر بلاغی فارسی*، پایان نامه دکتری چاپ نشده، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- دایی جواد، رضا (۱۳۳۵) *زیبایی‌های سخن یا علم بدیع در زبان فارسی*، اصفهان: تأیید.
- ذکائی بیضایی، نعمت‌الله (۱۳۶۴) *نقد‌الشعر*، چاپ اول، تهران: نشر ما.
- رادویانی، محمد بن عمر (۱۹۴۹م) *ترجمان‌البلاغه*، به تصحیح و اهتمام: احمد آتش، چاپ دوم، تهران: اساطیر.
- رازی، فخرالدین (۲۰۰۴م) *نهایه‌الایجاز فی درایه‌الاعجاز*، تحقیق: نصرالله حاجی مفتی اوغلی، چاپ اول، بیروت: دارصادر.
- رامی، شرف‌الدین (۱۳۲۵) *انیس‌العشاق*، تصحیح: محمد اقبال، تهران: دانشگاه تهران.
- رجایی، محمدخلیل (۱۳۵۹) *معالم‌البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع*، چاپ سوم، شیراز: دانشگاه شیراز.
- رشید و طواط، محمد بن محمد (۱۳۶۲) *حدائق‌السحر فی دقائق‌الشعر*، به تصحیح و اهتمام: عباس اقبال، تهران: طهوری و سنایی.
- رضایی، رمضان (۱۴۰۰) *نگاهی به تطور فنون بدیعی*، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رنجبر، احمد (۱۳۸۵) *بدیع*، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- زاهدی، جعفر (۱۳۴۶) *روش‌گفتار (علم‌البلاغه) در فن معانی، بیان، بدیع*، مشهد: دانشگاه مشهد.

- زرکشی، بدرالدین محمد ابن عبدالله (بی تا) *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق: المرعشلی و الزهبی و الکردی، بیروت- لبنان: دارالمعرفه.
- سبزواری، هادی بن مهدی (۱۳۸۱) *الراح القراح*، صححه و قدم له و علق علیه: مجید هادی زاده، چاپ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- سکاکی، ابویعقوب یوسف بن محمد بن علی (۲۰۰۰) *مفتاح العلوم*، چاپ عبدالحمید هنداوی، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۹۹۷) *الاتقان فی علوم القرآن*، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: المکتبه العصریه.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۲۰۱۱) *شرح عقودالجمان فی المعانی و البیان*، چاپ ابراهیم الحمدانی و امین لقمان الحبار، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شمس العلماء گرکانی، محمدحسین (۱۳۷۷) *ابدهالبدایع*، تبریز: احرار.
- شمس قیس، محمد بن قیس (۱۳۶۰) *المعجم فی معاییر اشعارالعجم*، تصحیح: عبدالوهاب قزوینی و مدرس رضوی، تهران: زوار.
- شمس قیس، محمد بن قیس (۱۳۸۸) *المعجم فی معاییر اشعارالعجم*، تصحیح: قزوینی. تصحیح مجدد مدرس رضوی: و تصحیح دکتر سیروس شمیسا، چاپ اول، تهران: نشر علمی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱) *نگاهی تازه به بدیع*، چاپ چهاردهم، تهران: فردوس.
- شهاب انصاری، حسین بن محمدشاه مبارکشاه (۱۹۵۶) *کنزالفوائد*، مرتبه: سید یوشح بی-ای (علیگ)، هند: مدارس یونیورسیتی.
- صادقیان، محمدعلی (۱۳۸۷) *زبور سخن در بدیع*، چاپ دوم، یزد: دانشگاه یزد.
- ضیف، شوقی (۱۹۷۶م) *البلاغه: تطور و تاریخ*، الطبعة السابعة، القاهرة: دار المعارف.
- طباطبایی، سید محمود (۱۳۸۶) *هنر بدیع*، قم: دارالعلم.
- عسکری، ابوهلال حسن بن عبدالله بن سهل (۱۹۹۸) *الصناعتین، الکتابه و الشعر*، تحقیق: علی محمد البجاوی و محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: المکتبه العصریه.
- عقدایی، تورج (۱۳۹۶) *بدیع در شعر فارسی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- العلوی الیمینی، یحیی بن حمزه (۲۰۰۱) *حقایق الاعجاز من کتاب الطراز*، تحقیق و تقدیم: الشیخ محمود جیره الله، الطبعة الاولى، القاهرة: الدار الثقافیه للنشر.
- العلوی الیمینی، یحیی بن حمزه (۲۰۰۷م) *الاعجاز الاسرار کتاب الطراز فی علوم حقایق الاعجاز*، تحقیق: عیسی باطاهر، چاپ اول، بیروت: دارالمدار الاسلامی.
- علوی مقدم، محمد (۱۳۷۲) *در قلمرو بلاغت*، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
- العلوی، یحیی بن حمزه (۲۰۰۲) *الطراز المتضمن لاسرار البلاغه و علوم حقایق الاعجاز*، بیروت: المکتبه العصریه.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۵) *تاملی در برخی از فنون بلاغی «مشاکله»*، فصل نامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد: شماره ۹، صص ۲۰-۷.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۰۲) *علم بدیع*، تهران: علمی.
- فشارکی، محمد (۱۳۷۹) *تقد بدیع*، تهران: سمت.
- فضیلت، محمود (۱۳۸۴) *آرایه های ادبی*، کرمانشاه: طاق بستان و دانشگاه رازی.

فندرسکی، ابوطالب بن میرزا بیگ (۱۳۸۱) رساله بیان بدیع، مقدمه، تصحیح و تحشیه: سیده مریم روضاتیان، چاپ اول، اصفهان: دفتر تبلیغات اسلامی.

قدامه بن جعفر، ابوالفرج (۱۳۰۲) نقدالشعر، عنی بتصحیح: بونیا کر، چاپ اول، قسطنطنیه: مطبعه الحوائب.

قرب، عبدالعظیم (۱۳۰۶) بدیع، تهران: معرفت.

القزوی، الخطیب جلال‌الدین محمد بن عبدالرحمن (۱۹۸۰) الايضاح فی علوم البلاغه، تحقیق: محمد عبدالمنعم خفاجی، بیروت: دار الکتب العلمیه.

قبری، محبلی (۱۳۶۸) گوهرکده، زنجان: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی زنجان.

قدیل، اسعاد عبدالهادی (۱۳۶۹) فنون شعر فارسی، ترجمه فاطمه سوهانفکر، تهران: موسسه علمی اندیشه جوان.

کاردگر، یحیی (۱۳۹۶) فن بدیع در زبان فارسی (بررسی تاریخی-تحلیلی صنایع بدیعی از آغاز تا امروز)، تهران: صدای معاصر.

کاشفی، حسین بن علی (۱۳۶۹) بدایع الأفكار فی صنائع الأشعار، ویراسته و گزاردده میرجلال‌الدین کزازی، تهران: مرکز نشر.

کزازی، جلال‌الدین (۱۳۷۳) بدیع زیباشناسی سخن پارسی، تهران: نشر مرکز.

مازندرانی، محمدهادی (۱۳۷۶) انوارالبلاغه، به کوشش محمدعلی غلامی نژاد، تهران: قبله.

مجبئی، مهدی (۱۳۸۶) بدیع نو، چاپ دوم، تهران: سخن.

محمدی، محمدحسن (۱۳۸۷) معانی، بیان و بدیع، تهران: زوار.

المدنی شیرازی، السید علی صدرالدین بن معصوم (۱۹۶۹) انوارالربیع فی انواع البدیع، حقیقه و ترجمه لشعرائه: شاکر هادی شکر، الطبعة الاولى، نجف الاشرف: مطبعه النعمان.

مرتضایی، جواد (۱۳۹۴) بدیع از بلاغت، چاپ اول، تهران: بهارستان.

مردوخی، معد (۱۳۷۸) علوم بلاغی، تهران: بهارستان.

مرغینانی، نصر بن الحسن (۱۳۶۴) محاسن الکلام، به کوشش: محمد فشارکی، اصفهان: فرهنگسرای اصفهان.

مسعودی، امید (۱۳۷۰) زبان شعر (بدیع-عروض-تأفیه)، چاپ اول، تهران: آریز.

مطلوب، احمد (۲۰۰۰) معجم المصطلحات البلاغیه، بیروت: مکتبه لبنان.

مظاهری، جمشید، براتی محمود، تاج بخش، پروین (۱۳۸۵) مقایسه بخش بدیع معیار جمالی شمس فخری با حدائق السحر رشیدالدین وطواط، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره چهل و هفتم، زمستان، صص ۲۱۶-۱۹۱.

نصیری، محمدجواد (۱۳۷۲) معیارالبلاغه، تهران: دانشگاه تهران.

نوروزی، جهانبخش (۱۳۷۸) زیورهای سخن (صناعات ادبی)، چاپ دوم، شیراز: راهگشا.

وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۳) بدیع و دیدگاه زیبایی شناسی، تهران: سمت.

وراوی، سعدالدین (۱۳۷۳) مرزبان‌نامه، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، صفی علیشاه.

وطواط، رشیدالدین (۱۳۶۲) حدائق السحر فی دقایق الشعر، تصحیح: اقبال آشتیانی، تهران: طهوری و سنایی.

هاشمی، احمد (۱۳۸۰) جواهرالبلاغه، ترجمه و شرح: حسن عرفان، قم: نشر بلاغت.

هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۳) مدارج البلاغه در علم بدیع، تصحیح: حمید حسنی، چاپ اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹) فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ اول، تهران: اهورا.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی